

اجلاس امنیتی مونیخ ۲۰۲۵ و شکاف میان دو قطب غرب

استاد اسعد منصور

نظرات سیاسی



تراپ، در پاداش به خدمات ارزندهی تشکیلات خودگردان، بودجهی نهادهای امنیتی آن را قطع کرد!

استاد عالمی ابو الریش ولایت مبارک (فلسطین)

بوجود تعهد تشکیلات خودگردان فلسطین و نهادهای امنیتی آن به دستورات آمریکا که شامل هماهنگی امنیتی و مبارزه با اسلام می‌شود و باوجود مشارکت آشکار آن‌ها با رژیم یهود در تعقیب، بازداشت و حتی قتل مجاهدان و همچنین اجرای عملیات سرکوبگرانه‌ای که آن را عملیات محافظت از وطن نامیدند، عملیاتی که نسخه‌ای از جنایات اشغالگران از جمله حاصره، قطع آب و برق، کوچ اجباری ساکنان، بازداشت و حذف تشکیلات، حمله به بیمارستان‌ها و بازداشت معروجان را در برداشت و بلای‌رزم اینک به این عملیات تحت دستورات، برنامه‌ریزی و تأمین مالی آمریکا و با هماهنگی و همکاری کامل با یهود انجام شد، با این امید که رضایت آن‌ها را جلب کنند...

پس از آنکه تشکیلات خودگردان و نهادهای امنیتی آن از آمریکا خواستند که عملیات سرکوب در چنین راهی با مبلغ ۶۸۰ میلیون دلار تأمین مالی کند؛ وپسایت «میدل ایست آئی» بریتانیا فاش کرد که تشکیلات خودگردان فلسطین از آمریکا خواسته است تا با طرح امنیتی‌ای برای کمک به آن موافقت کند که ارزشی معادل ۶۸۰ میلیون دلار طی ۴ سال دارد و در ازای آن، مقاومت در



در واشنگتن، یک کالتر جدید (فرمانده جدید) در شهر حضور دارد. با این سخنان، آمریکا به‌صراحت اعلام کرد که خود را «پلیس جهانی» می‌داند و اروپا را تهدید کرد که اگر از فرمان‌برداری از واشنگتن سرپوش زند، یا «تنبیه» رویه‌ور خواهد شد. او اروپایی‌ها را تحقیر کرده و خواستار ادامه تبعیت کامل اروپا از همیشه آمریکا شد. فانس افزود: «بزرگترین تهدید برای اروپا نه روسیه است، نه چین و نه هیچ قدرت خارجی دیگر... بلکه چیزی که مرا نگران می‌کند، تهدید داخلی است؛ یعنی عقب‌نشینی اروپا از برخی ارزش‌های اساسی خود. من نگرانم که آزادی بیان در بریتانیا و سراسر اروپا در حال از بین رفتن است... او از حزب راست‌گرای افراطی «آلترناتیو برای آلمان» که به نازی‌ها نزدیک است، دفاع کرد و با «آلیس ویدل»، رهبر این حزب، دیدار داشت؛ اما با اولاف شولتس، صدراعظم آلمان، دیدار نکرد که این اقدام، بی‌احترامی آشکاری به دولت آلمان و حمایت از جریان‌های نتوانزی بود.

بورس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان، به‌شدت به سخنان فانس واکنش نشان داد و گفت: «انتقادات و درباره آزادی بیان در اروپا کاملاً غیرقابل قبول است... رئیس اجلاس، کریستوف هونیش، اذحه خود را برای آزادی بیان در پایان اجلاس با گریه گفت: «دوره اسامیل تا حدی کابوسی برای اروپا بود و آمریکا تحت رهبری ترامپ در سیاره‌ای دیگر زندگی می‌کند. باید مراقب باشیم، زیرا اصول مشترک دیگر مشترک نیستند.» او بر ویرانه‌های جبهه غرب گریست، زیرا آنان برادرانی ستیزه‌جو هستند که هرکدام به دنبال منافع خود است و تلاش می‌کند سلطه خود را بر دیگران تحمیل کند. دیگر ایده‌های مشترک سرمایه‌داری آنان را به هم پیوند نمی‌دهد، بلکه به بیان این ایده‌ها کاملاً مادی و سودجویانه است که موجب تضاد میان پیروان آن شده و در یک چوپوچ واحد نیز ناکام مانده است.

آزادی بیانی که آمریکا از آن دفاع می‌کند، آزادی بیان برای ملی‌گرایان افراطی نازی است، نه دیگران، مانند مسلمانان که دهان‌هایشان را می‌بندند و از بیان افکار اسلامی‌شان منع می‌شوند. آنان فقط باید همدان‌گونه سخن بگویند که غرب می‌خواهد و حق ندارند از ایده‌ها، سیاست‌ها و حمایت‌هایش از رژیم غاصب یهود انتقاد کنند.

آمریکا نمی‌خواهد اروپا از زیر سلطه‌اش خارج شود و برای جلوگیری از این امر، به تحریک اختلافات داخلی و حمایت از جریان‌های ناسیونالیستی افراطی که مخالف اتحادیه اروپا هستند، می‌پردازد. هدف آن این است که این احزاب به قدرت برسند و کشورهای بیشتری مانند بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شوند تا بتوانند این اتحادیه را تضعیف کرده و پیور را که رقیب جدی دلار است، از میان بردارد. پیش‌تر این موضوع تنها در حد تحلیل سیاسی بود، اما اکنون سیاست‌های علتی دولت ترامپ به‌وضوح نشان می‌دهد که آمریکا آماده‌اند جریان‌های نازیستی و تجزیه‌طلب را در آلمان و سایر کشورهای اروپایی تقویت می‌کند و در برابر انسجام اروپا ایستاده است. او جناح غرب، یعنی آمریکا و اروپا، از عوامل اصلی بدبختی جهان هستند. این‌ها جنگ‌های بزرگ جهانی را به راه انداختند. سیاست‌های نسل‌کشی را اجرا کردند، کشورها را استعمار کردند و ثروت ملت‌ها را غارت نمودند. بیشترین ظلم این‌ها دو قدرت، متوجه جهان اسلام بوده است: یهودی‌نویسان اسرائیلی از تجزیه کردند، منابع آن‌ها را چپاول نمودند و جنگ‌های داخلی را در میان مسلمانان شعله‌ور ساختند.

اجلاس امنیتی مونیخ که تحت عنوان «برقراری صلح» برگزار می‌شود، در حقیقت به برای صلح بلکه عرصه‌ای برای رقابت و شمشک میان قدرتهای بزرگ، به‌ویژه آمریکا و اروپا است.

مسلمانان باید این اختلافات داخلی در غرب را با دقت نظر ریز بگیرند و از این شکاف‌ها برای تضعیف سلطه استعماری آمریکا و اروپا بر سرزمین‌های اسلامی استفاده کنند. هدف نهایی باید برپایی ثبات باشد که تنها راه نجات جهان از شر این قدرتهای استعماری و برقراری عدالت واقعی خواهد بود. به‌ذات الله، روزی فرا خواهد رسید که امت اسلامی از یوغ استبداد غربی رهایی یابد و بار دیگر، چراغ هدایت را برای جهانیان روشن کند.

اردگاه جنین را سرکوب کند. (غربی ۴۱، ژانویه ۲۰۲۵)

پس از آنکه تشکیلات خودگردان و نهادهای امنیتی‌اش تصور کردند که آمریکا آن‌ها را با پول و تسلط بر غزه پاداش خواهد داد، درحالی‌که همچنان به اجرای تمامی شروط و الزامات هرگونه تأمین مالی، از سوی هر طرفی، متعهدند که آخرین مورد آن، فرمان ریاستی محمود عباس بود که چند روز پیش صادر شد و در آن، قوانین و مقررات مربوط به پرداخت مستمری به خانواده‌های شهدا و اسرای زندانی در زندان‌های اشغالگران لغو و این پرداخت‌ها به نهاد ملی توانمندسازی اقتصادی به ریاست فرد بنجام احمد مجداتی واگذار شد...

برای اولین‌بار، قطع کامل بودجهی اختصاص‌یافته به نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین را اعلام کرد. منابع عبری گزارش دادند که دولت ترامپ، تأمین مالی نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین را متوقف کرده است که بخشی از اقداماتی است که در راستای تعلیق کمک‌های بین‌المللی ارائه‌شده به آن‌ها انجام می‌شود. (خبرگزاری م‌ها)

اعلام این تصمیم دقیقاً هم‌زمان با بورش نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان به منزلی در منطقه السقانی، واقع در اطراف اردوگاه الفارعة، صورت گرفت. پس از این حمله، ارتش اشغالگر رژیم مهبونیتی نیز وارد عمل شد و سه مجاهد را به شهادت رساند که یکی از آن‌ها همان روز از زندان تشکیلات خودگردان در طوباس آزاد شده بود.

اما علت این تصمیم چیست؟ و چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد؟

اول: روحیه استکباری، تکبر و گستاخی ترامپ باعث شده است که او و دولتش انتظار داشته باشند بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای، هر آنچه را که می‌خواهند به دست آورند. او به تمام جهان از موضع برتری نگاه می‌کند، حتی به اروپا و چین رسد به رژیم‌های نگه‌دانه‌ای که در سرزمین‌های مسلمانان حاکم هستند، از جمله تشکیلات خودگردان فلسطین که چیزی جز شه‌دولت نیست. ترامپ این رژیم‌ها را صرفاً بهره‌هایی مطیع می‌بیند که باید از اینکه به آن‌ها اجازه داده‌شده است سر سگ‌ها برمانند، قهرمانان ایجاد آرین‌رو، او خود را موفق به پرداخت امتیاز اضافی آنها می‌بیند، مگر در قبال امتیازات بیش‌تری که در انتظارش می‌باشد.

دوم: ترامپ مانند یک تاجر حرص ر رفتار می‌کند که راهی به می‌خواهد به دست آورد. به همین دلیل، آنچه رژیم‌ها و افزایش سود، یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌های او در تعامل با همه طرف‌هاست. شاید او تنها رئیس‌جمهوری در تاریخ آمریکا باشد که تا این حد در سخنان‌ها به مسائل مالی اشاره می‌کند.

سوم: دولت‌های آمریکا، به‌ویژه دولت ترامپ، سحر و دمامت انتظار دارند که به‌طور کامل از دستوراتشان پیروی کنند و هیچ‌گونه کوتاهی یا ناکامی در تحمل نمی‌کنند. این موضوع درباره تشکیلات امنیتی

پس از آنکه تشکیلات خودگردان فلسطین را متوقف کرده است که بخشی از اقداماتی است که در راستای تعلیق کمک‌های بین‌المللی ارائه‌شده به آن‌ها انجام می‌شود. (خبرگزاری م‌ها)

اعلام این تصمیم دقیقاً هم‌زمان با بورش نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان به منزلی در منطقه السقانی، واقع در اطراف اردوگاه الفارعة، صورت گرفت. پس از این حمله، ارتش اشغالگر رژیم مهبونیتی نیز وارد عمل شد و سه مجاهد را به شهادت رساند که یکی از آن‌ها همان روز از زندان تشکیلات خودگردان در طوباس آزاد شده بود.

اما علت این تصمیم چیست؟ و چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد؟

اول: روحیه استکباری، تکبر و گستاخی ترامپ باعث شده است که او و دولتش انتظار داشته باشند بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای، هر آنچه را که می‌خواهند به دست آورند. او به تمام جهان از موضع برتری نگاه می‌کند، حتی به اروپا و چین رسد به رژیم‌های نگه‌دانه‌ای که در سرزمین‌های مسلمانان حاکم هستند، از جمله تشکیلات خودگردان فلسطین که چیزی جز شه‌دولت نیست. ترامپ این رژیم‌ها را صرفاً بهره‌هایی مطیع می‌بیند که باید از اینکه به آن‌ها اجازه داده‌شده است سر سگ‌ها برمانند، قهرمانان ایجاد آرین‌رو، او خود را موفق به پرداخت امتیاز اضافی آنها می‌بیند، مگر در قبال امتیازات بیش‌تری که در انتظارش می‌باشد.

دوم: ترامپ مانند یک تاجر حرص ر رفتار می‌کند که راهی به می‌خواهد به دست آورد. به همین دلیل، آنچه رژیم‌ها و افزایش سود، یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌های او در تعامل با همه طرف‌هاست. شاید او تنها رئیس‌جمهوری در تاریخ آمریکا باشد که تا این حد در سخنان‌ها به مسائل مالی اشاره می‌کند.

سوم: دولت‌های آمریکا، به‌ویژه دولت ترامپ، سحر و دمامت انتظار دارند که به‌طور کامل از دستوراتشان پیروی کنند و هیچ‌گونه کوتاهی یا ناکامی در تحمل نمی‌کنند. این موضوع درباره تشکیلات امنیتی

(سما الإخباریة، ۱۸ فوریه ۲۰۲۵)

چهارم: تشکیلات خودگردان همواره متعهد به اجرای دستورات و شرایط بوده است که از سوی هر حامی و تأمین‌کننده مالی به آن دیکته می‌شود، بی‌آنکه به ماهیت جنایت‌هایی که علیه فلسطین، قلمبه آن و مردمش مرتکب می‌شود، اهمیت بدهد. صرفاً برای دریافت این پول از حامیان و باقی ماندن بر کرسی‌ای که از آن برای سلطه بر گردن مردم و تعذیب آن و روزی آن‌ها استفاده می‌کند، حتی اگر این کرسی در حد مدیریت سطح یا شهرداری باشد.

تولدهای متوالی آمریکا کاملاً با رژیم مهبونیتی در نابودی آنچه «راه‌حل دو دولت» نامیده می‌شود همسو بودند. همان راه‌حلی که تشکیلات خودگردان خود و پیروانش را با آن فریب می‌داد.

اکنون، دولت فعلی به رهبری ترامپ آشکارا از برنامه‌های اخراج و اسکان مجدد فلسطینیان، به رسمیت شناختن قانونی شهرک‌های مهبونیتی و اسکان کرانه باختری به اسرائیل سخن می‌گوید. چراکه مقامات این دولت سابق اعلام کرده‌اند که تنها نام مشروع برای این منطقه «یهودا و سامره» است.

با این‌حال، تشکیلات خودگردان حتی لفظ‌های هم به تکرار این مسیر حیات‌آميز و ضد مردم فلسطین فکر نمی‌کنند.

در این شرایط، سوالات آشنایی مطرح می‌شود: اگر آمریکا راه‌حلی دو دولتی را ناپود کرده است، هم‌زمان کم‌های مالی به تشکیلات خودگردان و دستگاه‌های امنیتی آن قطع‌شده و اعضای دولت راست‌گرای رژیم اشغالگر خواستار حذف کامل تشکیلات خودگردان حتی به شکل ناقص فعلی آن هستند، پس پاداشی که تشکیلات خودگردان در ازای جنگش علیه مردم فلسطین انتظار دارد چیست؟ و دست‌نشاندهگان این تشکیلات چه توجهی برای این سقوط مداوم در مسیر خدمت به آمریکا و محافظت از رژیم مهبونیتی دارند؟ اما مهم‌ترین سؤال این است: آیا تشکیلات خودگردان برای بازگرداندن کمک‌های مالی، عین جیدی خواهد پرداخت؟ و مأموریت جدیدی که این بار بر این در یافت هستی پول برعهده خواهد گرفت چیست؟

و در نهایت، هرچه‌قدر هم که تشکیلات خودگردان و رژیم مهبونیتی تلاش کنند و هرچه‌قدر آمریکا و اروپا کمک‌های مالی را قطع یا پرداخت کنند، نتیجه کار آن‌ها چیزی جز شکست، حسرت و زیان نخواهد بود: زیان مالی امت، مشتاق راه خداسد و دین خودی مسلمانان را در ازای مغانی ناچیز از این دنیا نخواهد فروخت. «آن الذین کفروا یلقفون أموالهم لیصدوا عن سبیل اللّه فیسئفونها ثم یرجعون علیهم خسراً ثم یلقفون والذین کفروا الی جهنم یخسرون». «بافرادان اموال خود را خرج می‌کنند تا از راه خدایان آنان اموالشان را خرج خواهند کرد، اما بعدا مایهی حسرت و دمامت ایشان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد. یگمان کافران همگی بی‌سوی دوزخ رانده می‌گردند و در آن گردآورده می‌شوند.»

حتمی بودن فروپاشی مالی جهانی

استاد نیل عبد الکريم

امروز اقتصاد جهانی بیش از هر زمان دیگری تحت فشار بحران‌های اقتصادی و مالی و همچنین نظام سرمایه‌داری از بدو پیدایش، بزرگ‌ترین انفجار کسری بودجه، استقراض و هزینه‌کرد از طریق بدهی (اهرم‌های مالی) شدت یافته است. بحران‌های بدهی قرار دارد، بحرانی که پس از انفجار کسری بودجه، استقراض و هزینه‌کرد از طریق بدهی (اهرم‌های مالی) شدت یافته است.

نظام سرمایه‌داری از بدو پیدایش، بزرگ‌ترین انفجار کسری بودجه، استقراض و هزینه‌کرد از طریق بدهی (اهرم‌های مالی) شدت یافته است. بحران‌های بدهی قرار دارد، بحرانی که پس از انفجار کسری بودجه، استقراض و هزینه‌کرد از طریق بدهی (اهرم‌های مالی) شدت یافته است.

افزایش تورم شدید، در کنار سیاست‌های مالی، پولی و اعتباری بیش‌ازحد تسهیلی، منجر به بازگشت رکود تورمی (تورم بالا همراه با رشد اقتصادی ضعیف) شده است. آخرین باری که اقتصادهای بزرگ چنین شرایطی را تجربه کردند، به دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد، اما تفاوت آن زمان با امروز این است که سطح بدهی در آن دوره بسیار پایین‌تر از میزان کنونی بود، درحالی‌که امروز، بدهی‌های جهانی به سطحی بی‌سابقه رسیده است. اقتصاد جهانی به دلیل شوک‌های مستمر از سمت عرضه در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به‌شدت آسیب‌دیده است. این شرایط باعث کاهش رشد اقتصادی و افزایش قیمت‌ها شده است. علاوه بر این، عواملی مانند جنگ‌های مداوم، از جمله جنگ اوکراین و روسیه و بحران‌های زیست‌محیطی و تغییرات آب‌وهوایی باعث تحولات ژئوپلیتیکی گسترده‌ای خواهند شد که فشار رکود تورمی را بر اقتصاد جهانی افزایش خواهند داد. با توجه به شرایط موجود، باید در روزهای آینده هوشیار بود. بانک جهانی در آخرین گزارش خود هشدار داده است که اکثر اقتصادهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ رشد بسیار کندی خواهند داشت.

بازگشت جنگ تجاری دوم که توسط دونالد ترامپ اعمال‌شده است، باعث افت بازارهای مالی، کاهش ارزش ارزها و سقوط قیمت سهام و ارزهای دیجیتال شده است. ترامپ در این رابطه اظهار داشت که چین باید از ارسال فتنابیل به آمریکا دست بردارد، در غیر این صورت، تعرفه‌های کمتری بحدت افزایش خواهند یافت.

چین در واکنش به این اظهارات، اعلام کرد که فتنابیل (یک مخدر مصنوعی قوی با اثرگذاری سریع و مدت‌زمان کوتاه) مشکل داخلی آمریکا است و ارتباطی با سرمایه‌های تجاری ندارد. چین همچنین اعلام کرد که تعرفه‌های اعمال‌شده از سوی آمریکا را در سازمان تجارت جهانی به چالش خواهد کشید و تدابیر متقابل دیگری را اتخاذ خواهد کرد. وزیر تجارت چین بیانیه‌ای اعلام کرد: «تعرفه‌هایی که آمریکا به صورت یکجانبه اعمال کرده است، به‌شدت با قوانین سازمان تجارت جهانی در تضاد است. وی افزود: «این تعرفه‌ها نهنها مشکلات آمریکا را حل نخواهد کرد، بلکه به تعامل اقتصادی و تجاری عمادی بین چین و آمریکا نیز آسیب خواهد رساند.»

شرکت تحلیل اقتصادی آکسفورد اکتونومیکس در یادداشتی اعلام کرد: جنگ تجاری هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارد، بنابراین احتمال افزایش تعرفه‌ها بسیار زیاد است و این امر باعث کاهش پیش‌بینی‌های رشد اقتصادی چین خواهد شد. جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، در یک پست منتشرشده اعلام کرد که با ترامپ توافق کرده است تا اعمال تعرفه‌های کمتری به تعویق بيفتد. این توافق شامل: اعلام گروه‌های قاچاق مواد مخدر (کارتل‌ها) به‌منعوان سازمان‌های تروریستی، تقویت کنترل‌های مرزی به‌صورت ۲۴ ساعته، هفت روز هفته و ایجاد یک نیروی مشترک چین و کانادا و مقره مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر و پول‌شویی هست. ترودو وعده افزود: من یک دستور اطلاعاتی جدید در مورد جرایم سازمان‌یافته و فتنابیل امضا کردم و ۲۰۰ میلیون دلار بودجه برای حمایت از این اقدامات اختصاص داده‌ایم. (ها کانادا نیوز)

مجموعه این سیاست‌ها ناپایدار و تصمیمات غیرمدربرانه باعث خواهد شد که رکود اقتصادی آمریکا عمیق‌تر شود و این کشور را به سمت یک رکود بزرگ و متعاقب آن، یک بحران مالی جدی سوق دهد چراکه اعتماد تمامی سرمایه‌گذاران به تصمیمات این کشور متزلزل خواهد شد. مگر آنکه نیرویی پریزید و ورق را علیه ترامپ و سیاست‌های او برگرداند، امری که وقوع آن محتمل است اما به شرایط واقعی و تحولات آینده در سراسر جهان بستگی دارد.

وضعیت عجز اقتصادی که جهان امروز با شتاب فزاینده‌ای با آن مواجه است، نشانه‌ای از فروپاشی مالی قریب‌الوقوع در سطح جهانی است. این بحران سایه‌های سنگینی خواهد افکند و طوفان‌های سهمناکی به همراه خواهد داشت که ممکن است معادلات بین‌المللی را دگرگون کند. به‌ویژه اگر نظام اقتصادی جهانی که کشورها مختلف را ناگزیر به وابستگی به اقتصاد آمریکا کرده است، از هم فروپاشد. چنین سناریویی آمریکا را به وضعیت نابیناوندی خواهد کشاند، چراکه بار مشکلات آن از حیوهای سیاسی، اقتصادی و نظامی سنگین‌تر از همیشه شده است. تمامی این عوامل، جهان را به سمت تحوولی بزرگ سوق می‌دهد که می‌تواند به تغییر در معادلات بین‌المللی منجر شود، فضایی را ایجاد کند که بسیاری از کشورها نقش‌پرکنند. آن‌ها ایفا کنند و حتی قدرت‌های جدیدی را به عرصه بین‌المللی وارد کند که وزن سنگینی در نظام جهانی داشته باشند.

در بخش خصوصی، بحرم طبیعی از بدهی‌های معوق بر دوش خانواده‌ها قرار دارد که شامل وام‌های مسکن، بدهی کارت‌های اعتباری، وام‌های خرید خودرو، وام‌های دانشجویی و وام‌های شخصی است. همچنین، شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری با حجم زیادی از بدهی‌های بانکی، اوراق قرضه و بدهی‌های خصوصی روبه‌رو هستند.

وحشی‌گری و تروریسم آمریکایی، دوگانگی معیارها و راه‌حل شرعی برای امت

استاد بهاء الحسینی - ولایت عراق

از زمان تأسیس خود، ایالات‌متحده چیزی جز یک دولت مبتنی بر نسل‌کشی، برده‌داری و قتل‌عام می‌کند، آمریکا آن را «حق اسرائیل» استعمار نبوده است. تاریخ نشان می‌دهد که در دفاع از خود، اما وقتی فلسطینیان این کشور بر خون میلیون‌ها بومی که به مقاومت می‌کنند، آن‌ها را تروریست معرفی می‌کنند.

همچنین، میلیون‌ها آفریقایی را به بردگی کشید و به یک امپراتوری استعماری تبدیل شد که برای منافع خود، جنگ‌ها را در سراسر جهان شعله‌ور می‌کند.

تروریسم آمریکایی در طول تاریخ: در دهه‌های گذشته، ایالات‌متحده سیاست‌های وحشیانه‌ای را اجرا کرده که جان میلیون‌ها نفر را گرفته است، اما همچنان اصرار دارد که خود را «دفاع همگراسی و حقوق بشر» معرفی کند! از جمله بارزترین جنایات آن:

جنگ‌های جهانی که مسلمانان هیچ نقشی در آغاز آن‌ها نداشتند، اما آمریکا و اروپا جهان را نابود کردند و میلیون‌ها نفر را کشتند. بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی که منهدا هزار آفرینی بی‌گناه را به کام مرگ کشاند.

نسل‌کشی میوین آمریکا که بیش از ۱۰ میلیون نفر از آن‌ها را به طرز وحشیانه‌ای به قتل رساند.

برده‌داری و استثمار ملت‌ها که طی آن، بیش از ۱۸۰ میلیون آفریقایی برده‌شده و به بردگی کشیده شدند، در حالی‌که بسیاری از آن‌ها قبل از رسیدن به مقصد جان باختند.

جنگ‌های اخیر مانند اشغال افغانستان و عراق، ویرانی لیبی، سوریه و یمن که میلیون‌ها نفر را کشته و آواره کرده است، درحالی‌که همچنان رژیم میوینستی را برای کشتار و اخراج فلسطینیان مسلح می‌سازد.

دوگانگی معیارهای آمریکا: علی‌رغم تمامی این جنایات، آمریکا تلاش دارد خود را «مداافع آزادی» معرفی کند، درحالی‌که سیاستی دوگانه را در قبال مسائل جهانی در پیش می‌گیرد.

وقتی آمریکا کشوری را اشغال می‌کند، آن را «آر‌ا‌اس‌ا‌زی» می‌نامد، اما زمانی که یک ملت مسلمان از خود دفاع می‌کند، آن را «تروریسم» می‌خواند.

سودان، زخمی دیگر بر پیکر امت اسلامی

در تاریخ ۱۸ فوریه ۲۰۲۵، نیروهای «واکنش سریع» سودان در مرکز اجلاس بین‌المللی کنیادا در ناپروبی گرد هم آمدند تا درباره تشکیل یک دولت وحدت برای مناطق تحت کنترل خود در سودان گفتگو کنند. مقامات کنیا تأکید می‌کنند که مشارکت آن‌ها تنها برای تسهیل «تلاش‌های صلح در سودان» است.

در این راستا، نماینده رسانه‌های حزب التحریر در کنیا، استاد شعبان معلم، در بیانیه‌ای مطبوعاتی اظهار داشت: «اگرچه متن کامل این منشور فاش نشده، اما انتقار می‌رود که چارچوب اداری نیروهای واکنش سریع، اهداف سیاسی و استراتژی‌های آن برای تقویت کنترل بر مناطق تحت سلطه‌اش را مشخص کند. این اقدام تلاشی برای رسمی‌سازی ساختار حکومتی در این مناطق است.»

از سز افزود: «درگیری‌ها و صلح در قاره آفریقا عمدتاً به رقابت‌های استعماری برمی‌گردد. سودان پس از سه دهه درگیری داخلی میان مسلمانان در سووالی، به زخمی دیگر در پیکر امت اسلامی تبدیل‌شده است.»

استاد شعبان معلم در پایان خاطرنشان کرد: «از آنجایی‌که تمام بحران‌های موجود در سراسر آفریقا و جهان توسط قدرتهای استعماری طمع‌کار و عوامل آن‌ها طراحی شده است، هرگز نمی‌توان راه‌حلی را در چارچوب نظام استعماری جستجو کرد؛ بنابراین، آفریقا به یک نظام جهانی جدید نیاز دارد؛ یعنی اسلام تا آن را از زنجیر استعمار رهایی بخشد. استعماری که این قاره غنی تنها به‌منعوان منبع مواد خام و بازاری برای محصولات خود می‌نگرد.»

آمریکا هرگز نمی‌توانست سلطه خود را بر سرزمین‌های ما تحمیل کند، اگر خیانت حاکمان ما نبود

تکتازی آمریکا، استعمار جهانی را تقویت می‌کند، اما این سلطه هرگز بدون خیانت حاکمان مسلمان پایدار نمی‌ماند. این حاکمان مرفاً ابزارهایی در دستان غرب بوده‌اند و برای تضمین ضعف و تجزیه سرزمین‌های اسلامی تحت کنترل بیگانگان تلاش کرده‌اند. از عادی‌سازی روابط با رژیم یهود علی‌رغم جنایات بی‌وقفه‌اش تا اجازه دادن به ایجاد پایگاه‌های نظامی غربی در خاک مسلمانان، این حکام، سلطه آمریکا را بر مصالح امت اسلامی ترجیح داده‌اند. آنان به بزاهای اجزایی استعمار تبدیل‌شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که جنبش‌های مقاومت را جرم‌انگاری می‌کنند، درحالی‌که اجازه می‌دهند شرکت‌های غربی منابع امت را غارت کنند. در حقیقت، این حاکمان وکلیت محافظت از منافع غرب در سرزمین‌های مسلمان هستند. واجب شرعی ما به‌منعوان مسلمانان، مقابله بانفوذ آمریکا و ریشه‌کن کردن آن از سرزمین‌های است. ما باید سلطه اقتصادی و نظامی غرب را کنار بزنیم، سرمایه‌داری غربی و الگوهای حکومتی وارداتی را رد کنیم و در برابر حاکمان ظالم و مزدور که از دفاع از ملت‌های خود سرباز می‌زنند، بایستیم. امروز بر ما واجب است که نظام سکولار کافر را رد کنیم و نظام اسلامی برگرفته از وحی الهی را احیا نماییم. نظامی که وحدت امت و عدالت الهی سبحان تعالی را در اولویت قرار می‌دهد و امتی یکپارچه، پویا و مستقل از استعمارگران بنا می‌دهد. هیچ نیروی خارجی حق ندارد سرنوشت ما را رقم بزند و مسیر ما روشن است؛ شکستن زنجیرهای وابستگی، رد سلطه غرب و بازگرداندن سیادت امت از طریق برپایی خلافت بر منجح نبوت.